

## چاپ نخستین کتاب خالد نویسا به زبان فرانسوی

خالد نویسا نویسنده جوان و با استعدادی است که با چاپ مجموعه های «فصل پنجم» و «تصورات شب های بلند» خود را خیلی جدی در عرصه ادبیات داستانی افغانستان مطرح ساخت.

سال های بسیار پیش کتاب های چون «قابوس نامه»، «بوستان» و «گلستان» مولانا عبدالرحمن جامی عشق به ادبیات دری را در نویسای جوان برانگیخته و مطالعه ادبیات کشورهای فرانسه و روسیه او را به وادی جادویی داستان و رمان کشانیده است. به قول خودش از شانزده سالگی تا امروز چندین چارک رمان و داستان نوشته است که نیمی از آنها را خود پاره کرده است و آن نیمه دیگر را آتش جنگ در شهر کابل سوزانیده است. خالد نویسا چندین بار در اثر توپیدن تفنگسالاران به هم از شهر کابل فراری شده، ولی هر بار بعد از مدت کوتاهی دوباره به شهر عشق و خاطره بازگشته است. گرچه او هرگز به صورت مستقیم از عشق به شهر کابل نمی گوید ولی نسیم و عطر سبز نوازشگر عشق به آن کوچه، پس کوچه های کلبه کاهگلی در هر سطر از آفریده هایش احساس میشود. دنیای نویسا غنی از تخیلات عمیق و روپاهایست که صادقانه با خوانندگانش تقسیم میشوند.

پروین پژواک در مورد داستان «تصورات شب های بلند» میگوید: «چند روزی به صورت کامل در حال و هوای داستان فرو رفته بودم. این گوریلای نویسا چه مفهوم همه جا گستری دارد! آیا باور میکنید که پای گوریلا مخفیانه به کانادا هم رسیده است؟ کدام آیینه در کجای جهان خواهد بود که در آن بنگریم و تصویر خراشیده شده خود را با پنجال گوریلا در آن نبینیم! در باره موجودیت هیولایی منم همیشه اندیشیده بودم. من آمدن آنرا شبانه به اتاق خواب قهرمان داستان کاملاً باور میکنم. حتی با یقین گفته میتوانم که اکنون قاتل پسر کاکایم را میشناسم. او نیز روزها و شبهای بسیاری رنج برد. مدت کوتاهی به اجبار به سربازی فرستاده شد و چون برگشت گوشه نشین شد. میترسید. عین قهرمان داستان شبها کاردی را زیر بالشت خواب خود میگذاشت. عاقبت هیولا پیروز شد. پسر کاکایم خود را کشت. البته اکنون من و نویسا خوب میدانیم که هیولا در مغز او هم خانه کرده بود. کجای زمین خواهد بود که نفس های بدبوی گوریلا هوای آنجا را مسموم نکرده باشد. بر کدام زمینی سایه ما خواهد افتاد که توام با سایه بزرگتر و تیره تر گوریلا نباشد؟ این گوریلا سالهاست که با ما قدم به قدم راه میرود و هرروز گوشه بزرگتر و عزیزتری از تصویر ما را میبلعد...»

طبیعت شوخ و دید ژرف انتقادی نویسا را در داستان های چون «مردی که از برای خورش گریست» میتوان به روشنی مشاهده کرد.

در طی یکسال اخیر خالد نویسا با نگارش مطالب پژوهشی و نقدهای جدی و تکنیکی منحصیث تهیه کننده برنامه «هفت شهر عشق» این برنامه «رادیوی آزادی» را به پرشنونده ترین برنامه رادیو در افغانستان مبدل ساخته است. اینک ترجمه ای از برگزیده آثار نویسا به زبان فرانسوی در شهر پاریس به چاپ رسیده است که گام ارزشمند دیگری است برای معرفی ادبیات غنامند داستانی افغانستان به سایر فرهنگ های بزرگ و معتبر این کلبه جهانی.

برای خالد نویسا که در شهر زیبای کابل دم و قدم میزند و می آفریند، گام ها و راه هایش را سبز و بارور میخواهیم.

هژبر شینواری

جنوری ۲۰۰۴، دلو ۱۳۸۲، کانادا